

عیسی کیست؟

عیسی ناصری، یک آموزگار یهودی بود که دو هزار سال پیش در اسرائیل کنونی زندگی می کرد. در آن زمان، آن منطقه متعلق به امپراطوری روم بود. او در خانواده‌ای متوسط، در شهری کوچک و معمولی و با اندکی تحصیلات، رشد کرد. با این حال تعلیمات او جهان را متحول ساخت.

باور مسیحیت بر این اساس استوار است که همین عیسی، در عین حال که مانند ما بود، پسر خدای زنده یکتا نیز بود. بنابراین تعلیمات او طبق خواسته خدا بود. اساس آموزشهای او این بود که انسان غرق در گناه است، و نتیجه گناه، مرگ است. با این حال عیسی هرگز گناه نکرد. او از سوی خدا برای نجات مردم از گناه و مرگ، فرستاده شد. عیسی مُرد، اما برای زندگی ابدی توسط خدا برخیزانده شد.

این کتابچه برای معرفی عیسی، پیشینه او، زندگی و مرگ، نقش امروزی و آینده او، نوشته شده است.

چگونه درباره عیسی بدانیم

کتاب آسمانی مسیحیان، کتاب مقدس نام دارد. کتاب مقدس شامل دو بخش عمده است. عهد عتیق (که به نوشته‌های الهی عبری نیز مشهور می‌باشد)، کتاب مقدس یهودیان است. این بخش شامل تاریخ عهدهای خدا با بشر، از ابتدای خلقت عالم تا زمان عیسی می‌باشد. عهد جدید داستان زندگی عیسی و آغاز کلیسای مسیحی است.

کتاب مقدس، پیغام خداست به بشر. این کتاب به ما می‌گوید که تنها یک خدا در سراسر جهان وجود دارد، و اوست که خالق همه چیز است. او خود را برای افراد بخصوصی نمایان کرد و آنها چیزهایی را که از او آموختند، به نگارش درآوردند. عهد عتیق و عهد جدید شامل تعدادی کتاب هستند که توسط نویسندگانی متفاوتی نوشته شده‌اند. این نویسندگان از جانب خدا الهاماتی دریافت کرده بودند تا آنچه را که خدا بر آنها فاش می‌ساخت، بنویسند. به همین دلیل است که کتاب مقدس را غالباً کلام خدا می‌نامند، زیرا طبق افکار انسانی نوشته نشد بلکه از جانب خدا الهام شد.

عهد عتیق، زمینه‌ای برای کارهای عیسی فراهم کرد. این بخش شامل پیشگویی‌های بسیاری درباره کار عیسی، که همان مسیح نیز نامیده شده، می‌باشد. کلمه مسیح، به معنی شخصی است که برای پادشاهی تدهین و مسح شده است. عهد جدید آشکار می‌کند که عیسی همان مسیح است که در عهد عتیق پیشگویی شده است. به همین خاطر است که اغلب به او عیسی مسیح، یا همان مسیح می‌گویند.

پسر موعود

اولین کلمات کتاب مقدس می‌گوید:

"در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید." (پیدایش 1:1)

سپس خدا بقیه مخلوقات و سرانجام یک مرد و یک زن را خلق نمود که آدم و حوا نام داشتند. او به این مرد و زن همه چیز عطا کرد، اما به آنها گفت که در صورت نافرمانی از او خواهند مرد.

متأسفانه آدم و حوا نافرمانی کردند، و نافرمانی از او "گناه" نامیده می‌شود. در نتیجه گناه آنها، انسان محکوم به مرگ شد. بنابراین خدا به آنها وعده‌ای داد. او به آنها گفت از نسل یک زن، شخصی خواهد آمد که با مشکل گناه و مرگ دست و پنجه نرم خواهد کرد.

خدا فوراً آدم و حوا را به مرگ نسپرد، اما آنها دیگر فانی شده و سرنوشت آنها در نهایت، مرگ بود. آنها صاحب فرزندان شدند و تمامی انسانها از نسل آنها بوجود آمدند. هر کسی از این نسل، ماهیت انجام اشتباه، ضعفهای اخلاقی و وسوسه انجام گناه را داشت. و عاقبت تمامی نسل آدم و حوا، مرگ بود. پس از نسلهای بسیار، مردی استثنایی و با ایمان به نام ابراهیم دیده شد. خدا از ایمان ابراهیم خشنود بود، پس با او پیمانی بست. این پیمان شامل تعدادی از وعده‌ها به سلیمان بود:

1. خدا وعده داد که این مرد و نسل او را از دیگران جدا ساخته و آنها برای او خاص خواهند بود. نسل ابراهیم، یهودیان هستند که از جانب خدا، به عنوان قوم او برگزیده شدند.
2. او وعده داد که پسری خاص خواهد آمد که پادشاه می‌شود.
3. او وعده داد که ابراهیم، این پسر خاص، و تمامی نسل ابراهیم، تا ابد وارث سرزمینی خواهند شد که ابراهیم در آن زندگی می‌کرد.
4. او وعده داد که تمامی جهان را از طریق ابراهیم برکت می‌دهد.
5. او وعده داد که تا ابد خدای ابراهیم و نسل او باشد.

پسر ویژه‌ای که به ابراهیم وعده داده شد، همان پسری بود که به حوا وعده شد، و برکت از طریق این پسر بر تمامی جهان خواهد آمد. این نیز مهم است که بدانیم تمامی وارثان سرزمین موعود، تا ابد زندگی خواهند کرد. در نتیجه این وعده جاودانگی برای ابراهیم، پسر ویژه، و دیگران است. درست مانند زمانی که خدا به آدم و حوا، وعده داد که این فرزند ویژه با مشکل گناه و مرگ مبارزه خواهد کرد و در نتیجه، وعده‌ها تکمیل می‌گردند.

اسحاق پسر ابراهیم، و یعقوب پسر اسحاق نیز مردان با ایمانی بودند و خدا وعده خود را برای آنها تکرار کرد. یعقوب، که اسرائیل نیز خوانده می‌شد، دوازده پسر داشت. قوم بنی اسرائیل، از نسل یعقوب و پسران او هستند و قوم یهود (یهودیان)، نام دیگر این قوم است.

باز هم نسل‌های بسیاری رفتند و مرد با ایمان دیگری خدا را خشنود ساخت. نام او داوود بود. خدا او را پادشاه اسرائیل ساخت و وعده‌های تازه‌ای علاوه بر وعده‌های گذشته، برای او افزود. خدا فرمود که آن پسر ویژه آن زن، و همان پسر ابراهیم، از نسل او (داوود) خواهد آمد. او وعده داد که این پسر پادشاه بزرگی خواهد شد و بر تمامی مردم تا به ابد سلطنت خواهد نمود. روشی که خدا برای پادشاهانی که انتخاب می‌نمود این بود که آنها را مسح یا تدهین نماید. تدهین به این ترتیب بود که روغن را از سر آنها جاری می‌نمود تا نشان دهنده برگزیدگی آنها برای پادشاهی از جانب او باشد. در نتیجه این پادشاه موعود، "مسیح" (مسح شده/تدهین شده) نیز نامیده می‌شد که همان عیسی است.

آن پسر متولد شده است

عهد جدید با این جمله آغاز می‌شود: "کتاب نسب نامه عیسی مسیح بن داود بن ابراهیم" (متی 1:1) عیسی پسر موعود است. او همان کسی است که توسط خدا به عنوان پادشاه، انتخاب و تدهین شد. او همان کسی است که می‌بایست بر گناه و مرگ غلبه کند و برکت را برای تمامی جهان بیاورد.

عیسی از طریق مادر خود از نسل ابراهیم و داوود بود. نام مادر او مریم بود و پیش از اینکه ازدواج کند، یک فرشته نزد او فرستاده شد تا به او بگوید که او مادر مسیح خواهد شد. او متعجب شد از اینکه چگونه درحالیکه او باکره است، چنین چیزی ممکن است اتفاق بیفتد. فرشته به او گفت که قدرت خدا باعث می‌شود او باردار شود و پسری به دنیا بیاورد. فرشته همچنین به مریم گفت که نام این پسر عیسی، و به معنی "نجات دهنده" است. او مردم را از گناه نجات می‌دهد و پادشاه موعود است.

بعضی ادیان بر این باورند که خدایان آنها با انسانها روابط جنسی دارند. موضوع تولد عیسی به هیچ وجه شبیه به این عقیده نیست. خدای واحد حقیقی که تمامی جهان را خلق کرده است، پسر خود را در رحم مریم خلق نمود. عیسی بطور حتم فرزند مریم و حقیقتاً پسر خدا بود. فرزندى که به نحوى معجزه‌آسا توسط قدرت روح خدای خالق، در رحم مریم بوجود آورد.

همانطور که فرشته گفته بود، پسر در همان زمان معین متولد شد. گروهی از فرشتگان این خبر خوش را اعلان نمودند. این آغاز بزرگترین اتفاق در تاریخ بشر بود! از طریق این مرد، یعنی عیسی، خدا راه نجاتی برای بشر فراهم نمود. مریم با مردی به نام یوسف نامزد بود. او با مریم ازدواج کرد و آنها عیسی را همراه با فرزندان دیگرشان که پس از او به دنیا آمدند، به روشی متداول بزرگ کردند. یوسف نجار بود و عیسی این فن را در طول رشد خود از او آموخت. او از مادرش و همچنین از کتب مقدس آموخت که کیست.

در سن سی سالگی، عیسی کار بزرگ خود را آغاز کرد.

عیسی، آموزگار

همانطور که گفته شد، عیسی همان مسیح و تدهین شده بود. اما او درست مانند دیگر پادشاهان زمان باستان با روغن مسح و تدهین نشد. خدا عیسی را با قدرت خود که آن را روح القدس می‌نامیم، مسح نمود. به عیسی قدرتی داده شد که فراتر از تمامی قدرتهای طبیعی بود. او این قدرت را برای شفای بیماران و مردم عاجز استفاده کرد و معجزات بسیاری آشکار نمود که ثابت می‌کرد او حقیقتاً پسر خداست.

عیسی حدود سه سال و نیم را به تعلیم در شهرهای مختلف یهود گذراند. مردان و زنان بسیاری او را پیروی کردند. برخی فقط کنجکاو بودند، اما دیگران از شاگردان او شدند که در فارسی به آنها "حواریون/پیروان" نیز گفته می‌شود. عیسی از میان پیروان بسیار خود، دوازده نفر را به عنوان شاگردان خود برای آموزش‌های ویژه برگزید. آنها بعداً پیشگامان کلیسای مسیحی شدند.

روش اصلی تعلیم عیسی، بیان در غالب مثل‌ها بود. این مثل‌ها در واقع داستان‌هایی بودند که در آنها درس‌هایی نهفته بود. بیشتر آن مثل‌ها درباره کارهای متداول زندگی، مانند کشاورزی یا ترتیب دادن یک جشن عروسی بود. این روش تعلیم باعث شد که افراد بسیاری، از پیروی کردن از او دست بکشند. آنها نمی‌خواستند به خود زحمت فهمیدن منظور او را بدهند. اما بسیاری متوجه تأثیر پیام او می‌شدند و برای درک مفهوم آن پیغام‌ها نزد عیسی می‌رفتند و از او در اینباره می‌پرسیدند و او برایشان توضیح می‌داد. در این مواقع، شاگردان راستین، برجسته‌تر از مردم بودند.

تعلیمات عیسی بسیار چالش برانگیز و جالب بودند. او پیروان خود را استانداردهای اخلاقی می‌نامید. او همچنین قدرتهای مذهبی زمان خود که کلام خدا را با افزودن سنت‌های خود به آن خراب کرده بودند، به چالش کشید. عیسی روشن کرد که برای خدا، حقیقت بسیار مهم است. خدای واحد حقیقی بر این اصرار دارد که مردم او را درک کرده و اطاعت نمایند و به سوی او آمده و او را راهنمای خود بدانند. راه و روش پیدا کردن خدا، در ذهن و فکر انسان نیست بلکه توسط خدا آشکار می‌گردد و او فقط کسانی را می‌پذیرد که راه او را دنبال می‌کنند. عیسی برای مردم پیامی از جانب خدا آورد، نه یک فلسفه. او به ما گفت که باید به این پیغام توجه کنیم.

پیغام عیسی نمی‌تواند در کتابچه کوچکی مانند این بگنجد. شما باید عهد جدید را بخوانید تا تعلیمات او را بیاموزید. زمانی که این کار را کردید، آنگاه پی خواهید برد که تا چه اندازه تعلیمات او در 2000 سال پیش، مهم و چالش برانگیز بودند.

چند کلید اصلی از تعلیمات او عبارتند از:

1. خدای خالق و واحد، ما را به عنوان فرزندان خود دوست دارد. او ما را فراخوانده تا او را دوست داشته و به سوی او بازگشت کنیم. همچنین از ما دعوت کرده تا او را "پدر" بخوانیم. او دور یا ناشناختنی نیست. او می‌خواهد هر یک از ما او را بشناسیم و با او ارتباطی نزدیک داشته باشیم. (متی 5:45، یوحنا 3:17، اعمال رسولان 14:15-17، اعمال رسولان 17:23-31 را ببینید.)

2. در نتیجه محبت خدا به انسانها، او از ما خواسته به یکدیگر محبت کنیم. ممکن است شما درباره "قانون طلایی" شنیده باشید. عیسی گفت: "با دیگران همانطور رفتار کنید که می‌خواهید آنها با شما رفتار کنند." (متی 7:12)، او همچنین گفت: "همسایه‌ات را مانند جان خود دوست بدار." (متی 39:22) و حتی به ما گفت که باید دشمنان خود را دوست بداریم (متی 5:44). زندگی هر مسیحی واقعی، باید بر این تعالیم استوار باشد. (غلاطیان 5:17 را بخوانید).
3. خدا برای ما مشخص نموده که چه چیزی درست و چه چیزی اشتباه است. کارهای خطا، گناه هستند و مجازات آنها مرگ است. کارهای خطا شامل: قتل، دزدی، دروغ، روابط جنسی خارج از ازدواج، صدمه زدن یا خیانت به دیگران، نزاع و مطالبه قدرت برای تسلط به دیگران می‌باشد. کارهای درست شامل: صداقت، توجه و اهمیت به دیگران، گفتن حقیقت، پایبند و وفادار بودن در ازدواج، به اشتراک گذاشتن پیغام خدا با دیگر مردم است. (افسیان 5: 3-7، اول قرنتیان 7:9-11، غلاطیان 5: 1-20).

4. روز حساب خواهد آمد و مردم بر اساس روشی که زندگی کرده‌اند، داوری خواهند شد. کسانی که تعلیمات عیسی را رد کرده‌اند، با مرگ ابدی مجازات خواهند شد. اما به کسانی که متعلق به عیسی مسیح هستند و در پیروی از او وفادار بوده‌اند، زندگی جاودان عطا می‌گردد. (یوحنا 5: 28-29، دوم قرنتیان 5: 9-10 را ببینید).

یک قربانی برای گناهان

زندگی انسان سرشار است از مخاطرات مهلك. ما مستعد گناه هستیم و فنا شدنی می‌باشیم. خدا به ما فرمان داده از گناه دوری کرده و کارهای درست انجام دهیم، اما ما ضعیف هستیم و نمی‌توانیم کامل باشیم. خدا فرموده: "مزد گناه، موت است." (رومیان 6:23). پس ما سرانجام مجازات می‌شویم. اما ما نیاز داریم از این شرایط نجات پیدا کنیم و امیدی برای زندگی داشته باشیم.

خدا بسیار عادل و در عین حال، بخشنده است. خدا بوسیله عیسی راهی برای نجات ما از گناه و مرگ فراهم نمود. بر خلاف ما، عیسی هرگز گناه نکرد. او درست مانند ما وسوسه شد، اما به عنوان پسر خدا، او قوت ایستادگی کردن در برابر وسوسه گناه را داشت. عیسی کاملاً بی عیب و بی گناه بود. اما هنگامی که مانند ما یک انسان بود، همیشه در درون خود وسوسه می‌شد. این وسوسه‌های انجام گناه، گاهی اوقات "شیطان" نامیده می‌شوند. عیسی درست مانند ما فانی بود.

در عهد عتیق، خدا مشخص کرد که بدون ریخته شدن خون، بخششی برای گناهان وجود نخواهد داشت. بر اساس این اصل، حیوانات را برای خدا قربانی می‌کردند. این کار نمایانگر این بود که در واقع کسی که سزاوار مرگ است، خود ما هستیم، و خدا بسیار عادل است. بخشندگی و رحمت خدا این است که قربانی، می‌تواند گناهان ما را از بین ببرد، بنابراین او با ما مانند صالحان رفتار کرد.

قربانی کردن حیوانات در واقع نمی‌توانست گناه بشر را پاک کند. اما قربانی شدن یک انسان کامل (عیسی) توانست. این بخشی از نقشه همیشگی خدا بود که پسر او، یک قربانی بی عیب و کامل شود، و قربانی‌های حیوانی، نمادی از قربانی شدن عیسی بودند.

عیسی از سوی یکی از شاگردانش خیانت دید، و توسط جمعی از رهبران مذهبی یهود، به مرگ محکوم شد. آنها به او حسادت می‌ورزیدند و نمی‌دانستند که در حال ایفای نقشی در نقشه خدا هستند. رهبران مذهبی از حکومت روم خواستند عیسی را مصلوب کند. این روشی متداول برای اعدام مجرمان بود. محکوم را با طناب به چوبی بسته یا او را به آن می‌خکوب می‌کردند و سپس او را به حال خود رها می‌کردند تا جان دهد. گاهی این چوب به شکل صلیب بود. ما نمی‌دانیم که آیا عیسی بر روی چوبی صلیبی شکل بود یا خیر، اما می‌دانیم که از دست‌ها و پاهایش به چوب می‌خکوب شده بود، و به مدت چندین ساعت در آنجا بصورت آویزان ماند تا اینکه جان داد.

برای بسیاری از انسانها، درک این موضوع که چگونه چنین مرگ وحشتناکی از سوی خدا برای نجات مردم ممکن است، بسیار دشوار است. عهد جدید به ما می‌گوید هنگامی که مردان و زنان، با مرگ مسیح همبسته می‌شوند، فداکاری او باعث شسته شدن گناهان ما می‌گردد. ما بخشش خدا را بدست می‌آوریم. او ما را عادل به حساب می‌آورد و اجازه می‌دهد که عدالت عیسی و ایمان ما به او، برای ما عدالت محسوب شود. اگر عیسی به شکلی ساده مرده بود، چنین نجاتی هرگز میسر نمی‌شد. اما عیسی در عالم مردگان باقی نماند!

رستاخیز

اگر مزد گناه موت است (رومیان 6:23)، دیگر درست نیست که عادلان نیز بمیرند. عیسی باید می‌مرد، زیرا او وسوسه گناه داشت، و فانی بود. اما او هرگز گناه نکرد، به همین خاطر عادلانه نبود که او نیز مانند گناهکاران هلاک گردد. همچنین خدا او را از مردگان برخیزانید. به این اتفاق، رستاخیز گفته می‌شود. با مرگ او، انگیزه گناه در او تا ابد مُرد. هنگامی که عیسی از مردگان برخاست، دیگر از وسوسه گناه، پریشان نبود و دیگر فانی نیز نبود. اکنون او جاویدان است و دیگر هرگز نخواهد مرد. مرگ و رستاخیز عیسی، پیروزی بزرگی را به ارمغان آورد. برای اولین بار در تاریخ بشر، مرگ مغلوب شده است! عیسی در طول زندگی‌اش، گناه را شکست داد. اکنون وسوسه گناه، مرده و او برای همیشه زنده بود.

رستاخیز، بزرگترین نشانه برای اثبات این است که عیسی پسر خدا بود، و تمامی تعلیمات او صحیح بوده است. این یک نور امید برای همه ماست. عیسی گناه و مرگ را شکست داد و با فیض خدا، پیروزی او، می‌تواند پیروزی ما باشد.

یک شخص با گرفتن تعمید (فرو رفتن) در آب، مسیحی می‌شود. این تنها یک تشریفات مذهبی نیست. این ارتباط ما با چیزهایی است که درباره آنها گفتیم:

1. تعمید، نمادی است از مرگ و رستاخیز. ما بطورت نمادین می‌میریم و دفن می‌شویم و در یک زندگی تازه بلند می‌شویم. اگر چه ما هنوز هم نسبت به گناه، وسوسه می‌شویم، اما بصورت نمادین، آن را کشته‌ایم. هر چند که ما همچنان فانی هستیم، اما زندگی تازه‌ای را در راه خدمت به مسیح آغاز کرده‌ایم:

"باید ما نیز در زندگی تازه‌ای به سر بریم" (رومیان 6:4)

2. با گرفتن تعمید، ما تصدیق می‌کنیم که سزاوار مرگ هستیم، و اعتراف می‌کنیم که به نجات نیازمندیم، و می‌دانیم که تنها راه نجات از گناه و مرگ، تنها از طریق قربانی شدن عیسی مسیح است.

"کسی که ایمان می‌آورد و تعمید می‌گیرد نجات خواهد یافت" (مرقس 16:16)

3. تعمید ما بیانگر ایمان ما به خدا و پیشنهاد نجات از سوی اوست. خدا با فیض خود، اجازه داد که ایمان ما، درستی و نیکی محسوب شود. گناهان ما شسته شده است و فرو رفتن در آب، نشانه‌ای از پاک گشتن در نظر خداست:

"وقتی شما تعمید گرفتید با مسیح مدفون شدید ... و همه گناهان ما بخشیده شده است" (کولسیان 2:12-13)

4. تعمید نوعی بیان و اعتراف به این است که خدا ما را از مرگ ابدی نجات خواهد داد و ما همانند عیسی، برای زندگی جاوید، برخواهیم خاست:

"زیرا اگر ما در مرگی مانند مرگ او با او یکی شدیم، به همان طریق در رستاخیزی مانند رستاخیز او نیز با او یکی خواهیم بود" (رومیان 6:5)

واسطه میان خدا و انسان

عیسی پس از رستاخیز از مرگ، حدود شش هفته را با شاگردانش سپری کرد. او خود را به همه ظاهر نکرد، بلکه تنها به کسانی ظاهر شد که به عنوان شاهدان او برگزیده شده بودند. آنها جمعیتی متشکل از پانصد نفر از مردم بودند که او را زنده دیدند.

عیسی به شاگردانش آموخت که باید به کار بشارت انجیل (خبر خوش نجات) ادامه دهند. او به آنها گفت که روح القدس (قدرت خدا) را دریافت خواهند کرد تا برهانی باشد برای تمام جهان، که آنها واقعاً پیغام خدا را به همراه دارند. سپس عیسی در حالی که شاگردان به او نگاه می‌کردند، به آسمان صعود کرد. اکنون عیسی با پدر خود، خدا در آسمان است. او وظیفهٔ تعلیم را به پیروانش سپرد و اکنون او به عنوان کاهن ما می‌باشد.

کاهن کسی است که به عنوان واسطه‌ای میان خدا و انسان عمل می‌کند. وظیفهٔ مخصوص کاهن این است که قربانی‌ها را از طرف کسانی که برای پرستش آمده‌اند، به حضور خدا تقدیم کند. در زمان عهد عتیق، کاهنانی بودند که قربانی‌های حیوانی را تقدیم می‌کردند. می‌بینیم که آن قربانی‌ها، اشاره‌ای به آن قربانی برتر داشتند. و همینطور، آن کاهنان اشاره‌ای بودند به کاهن اعظم، که عیسی مسیح است.

عیسی امروز حامی ماست و از طرف ما در مقابل خدا حاضر می‌گردد. گناهان ما، و فناپذیریمان ما را از خدا دور می‌کند. اکنون کار عیسی این است که ما را با خدا آشتی دهد. به این دلیل که خدا ما را دوست دارد و عیسی بهترین حامی است، بنابراین ما از سوی خدا پذیرفته می‌شویم. عیسی در عدالت خود اجازه دارد ما را نجات دهد.

"زیرا یک خدا وجود دارد و یک واسطه بین خدا و انسان، یعنی شخص عیسی مسیح" (اول تیموتائوس

5:2)

گسترش مسیحیت

پس از صعود عیسی به سوی پدر، شاگردان به فرمان انتشار و بشارت دادن خبر خوش، عمل کردند. شاگردان راهنما، رسولان نامیده می‌شدند. رسول به معنی شخص فرستاده شده برای کاری خاص، می‌باشد. عیسی خود مخصوصاً آنها را برای چنین کاری فرستاد.

عیسی پیش از مرگش، هرگز سرزمین اسرائیل کنونی را ترک نکرد. اما هدف خدا این نبود که تنها یهودیان نجات یابند. او از طریق یهودیان کار کرد، زیرا ابراهیم بسیار با ایمان بود. اما نجات، برای همه کسانیست که از طریق مسیح به سوی خدا بیایند.

رسولان در سراسر امپراطوری روم رفتند و مژدهٔ خوش نجات از طریق عیسی مسیح را بشارت دادند. آنها بدلیل داشتن روح القدس، قادر بودند معجزاتی مانند آنها که عیسی انجام داده بود، از خود نشان دهند. با انجام چنین معجزاتی به مردم ثابت می‌شد که سخنان آنها داستان نیست. آنها شاهدان عینی رستاخیز عیسی نیز بودند و به مردم گفتند که این برهانی است بر اینکه خدا واقعاً مردم را نجات می‌دهد.

تعداد بسیاری از مردم، به این تعلیمات پاسخ دادند. آنها این پیغام را باور کردند و برای بخشیده شدن گناهانشان تعمید گرفتند. بنابراین مسیحیت آغاز شد و خیلی زود در هر جایی کلیساهای مسیحی دیده شد. دولت روم این دین جدید را دوست نداشت. آنها به مسیحیت به عنوان یک حرکت سیاسی نگاه می‌کردند، به همین دلیل خیلی زود شروع به دستگیری مسیحیان کردند. بسیاری از مسیحیان کشته شدند، اما بشارت انجیل همچنان ادامه داشت.

بعضی از تازه ایمانداران، به میزان اندکی از روح القدس را دریافت کرده بودند، البته اگر رسولی در میانشان بود که این قدرت را به آنها بدهد. اما دیگران چنین قدرتی را دریافت نکردند. رسولان یکی پس از دیگری، بدست کسانی که با پیغام آنها مخالف بودند، کشته شدند. سرانجام تمامی کسانی که قدرت روح القدس را داشتند، مُردند. اما یک راه ماندگارتر برای نقل اینکه این پیغام برآستی از جانب خداست، فراهم شد.

رسولان و دیگر افرادی که روح القدس را دارا بودند، از جانب خدا برای مکتوب کردن پیغام او، الهاماتی دریافت کردند. آنها اتفاقات زندگی عیسی و تعلیمات او، و همچنین آنچه رسولان انجام داده بودند را،

نوشتند. آنها همچنین نامه‌هایی که شامل تعلیمات مسیحی بود را مکتوب کردند. این نوشته‌ها، عهد جدید هستند و درست مانند عهد عتیق عبری، نوشته‌های الهام شده و در حقیقت، کلام خدا هستند.

"کتاب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم حقیقت، سرزنش خطا، اصلاح معایب و پرورش ما در نیکی مطلق مفید است." (دوم تیموتائوس 3:16)

رسولان مُردند، اما حدود 2000 سال است که نوشته‌های آنها در عهد جدید، ماندگار بوده و آموزشهای آنها به ما همچنان ادامه دارد.

عیسی باز خواهد گشت

هنگامی که عیسی به آسمان صعود کرد، فرشته‌هایی در آنجا حضور داشتند. آنها به شاگردان که در حال تماشای صعود عیسی به آسمان بودند، گفتند:

"همین عیسی که از پیش شما به آسمان بالا برده شد، همان طوری که بالا رفت و شما دیدید، دوباره به همین طریق باز خواهد گشت." (اعمال رسولان 11:1)

عیسی بسیاری از وعده‌های خدا را به انجام رسانده است. او بر گناه و مرگ غلبه کرده و منبع برکت برای همه شده است. اما هنوز وعده پادشاهی‌اش را به اتمام نرسانده است. بسیاری از پیشگویی‌های عهد عتیق و عهد جدید به ما می‌گویند که عیسی بر تمامی زمین سلطنت خواهد کرد. شاگردان انتظار داشتند که سلطنت او همان زمان انجام شود، اما عیسی به آنها گفت که این در آینده متحقق خواهد شد. (اعمال رسولان 1:6-7 را ببینید.)

رسولان بشارت می‌دادند که عیسی باز خواهد گشت تا وعده‌های باقی مانده را تکمیل نماید. کتاب مقدس به ما می‌گوید که عیسی بنا به چند دلیل باز خواهد گشت:

1. او فرشته‌های خود را برای زنده کردن مردگان می‌فرستد و فرشته‌ها آنها را با آن پیروانش که هنوز زنده هستند، در یک جا جمع می‌کند. (متی 31:24، اول تسالونیکیان 16:4 را ببینید.)

2. سپس کسانی که در یک جا جمع شده‌اند، داوری خواهند شد. عیسی بر کسانی که با ایمان و فرمانبردار بوده‌اند و کسانی که نافرمانی کرده‌اند، داوری می‌کند. پادشاه ایمانداران، حیات جاودان است و بی‌ایمانان به مرگ همیشگی محکوم می‌گردند. (یوحنا 5:28-29، دوم تسالونیکیان 9:1 را ببینید.)

3. عیسی از جانب پدر، خدای واحد حقیقی، بر تمامی جهان سلطنت خواهد کرد. کسانی که در او پایدار باشند، پیروز می‌شوند و زمین از شناخت و جلال خدا پر خواهد شد. (دانیال 14:7 و مکاشفه 10:5 را ببینید.)

4. عیسی به عنوان پادشاه، با عدالت تمام، سلطنت خواهد کرد. فساد در سلطنت او نخواهد بود. جفا، جنگ، بیماری و مرگ، سرانجام از بین خواهد رفت. پادشاهی تا زمانی که تمامی منابع گناه از بین برود، ادامه خواهد یافت. در نهایت، حتی مرگ نیز از میان برداشته می‌شود. در آن زمان، دیگر هیچ بی‌ایمانی باقی نخواهد ماند. سپس عیسی پادشاهی را به پدرش خواهد داد. (اول قرنیتیان 15:24-28 و مکاشفه 21:1-8 را ببینید.)

ما نمی‌دانیم که عیسی دقیقاً چه موقع خواهد آمد (مرقس 13:32)، اما عیسی به ما آموخت که هر لحظه برای بازگشت او آماده باشیم.

عیسی به ما درباره نشانه‌هایی گفت که پیش از بازگشت او، اتفاق خواهد افتاد و امروزه ما می‌توانیم بسیاری از این نشانه‌ها را ببینیم. یکی از این وقایع، بازگشت یهودیان به سرزمین اسرائیل است. مسیحیانی که این اتفاقات را می‌بینند، بسیار هیجان زده هستند زیرا به این معنی است که بازگشت عیسی می‌تواند خیلی زود متحقق شود. وعده زندگی جاودان، در جهانی زیبا و بدون هیچ درد و رنجی در پادشاهی صلح و آرامش و عدالت، نزدیک بنظر می‌رسد.

عیسی شما را به عنوان شاگردانش، پیش از اینکه دیر شود، فراخوانده است. او از شما می‌خواهد اعتراف کنید که گناهکار هستید و به نجات احتیاج دارید. او می‌خواهد به او گوش فرا دهید تا خدای واحد حقیقی را شناخته و تنها راهی که به زندگی منتهی می‌شود را درک کنید. او شما را فرا خوانده تا زندگی گذشته خود را رها کرده و او را اطاعت کنید. او به شما امید حیات جاودان را داده و درباره مرگ ابدی هشدار می‌دهد.

شما می‌توانید با مطالعه کتاب مقدس، چیزهای بیشتری درباره عیسی و امید به زندگی، بیاموزید. (برادران و خواهران در مسیح) که این کتاب را چاپ کرده‌اند، برای کمک به شما در دسترس هستند.

خدا می‌داند که شما سوالات بسیاری خواهید داشت، بنابراین پاسخ این سؤالات را از طریق کلام خود و همچنین از طریق کسانی که پیشاپیش به عیسی مسیح روی آورده‌اند، فراهم نموده است. عیسی به شاگردان خود گفت: "من راه و راستی و حیات هستم، هیچکس جز به وسیله من نزد پدر نمی‌آید." (یوحنا 6:14) هنگامی که بیشتر بیاموزید، کشف خواهید کرد که دلایل خوبی برای ایمان به او وجود دارد.

Carelinks

PO Box 152

Menai NSW 2234 AUSTRALIA

www.carelinks.net/fa

email: info@carelinks.net